



واکاوی نقش مدرسه در شکل‌گیری مسئولیت‌پذیری اجتماعی در نوجوانان

مریم بختیاری^۱، سید احمد فاطمی‌نیا^{۲*}، الهه فرهودی^۳

۱. گروه مدیریت آموزشی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۲. گروه مدیریت آموزشی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۳. گروه ارزیابی آموزشی، دانشگاه یزد، یزد، ایران

* ایمیل نویسنده مسئول: s.a.fateminia@gmail.com

چکیده

هدف این پژوهش واکاوی نقش مدرسه در شکل‌گیری مسئولیت‌پذیری اجتماعی در میان نوجوانان بر اساس تجارب زیسته دانش‌آموزان و کارکنان مدارس است. این مطالعه با رویکرد کیفی و روش پدیدارشناسی تفسیری انجام شد. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۲۹ نفر از دانش‌آموزان، معلمان، مشاوران و مدیران مدارس شهر تهران گردآوری شد. مشارکت‌کنندگان به روش نمونه‌گیری هدفمند و با حداکثر تنوع انتخاب شدند. مصاحبه‌ها تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت و داده‌های به‌دست‌آمده با استفاده از تحلیل مضمون و به کمک نرم‌افزار NVivo ۱۲ تحلیل شد. تحلیل داده‌ها به استخراج سه مقوله اصلی شامل «نقش تعاملات مدرسه‌ای»، «برنامه‌ها و فعالیت‌های تربیتی و آموزشی» و «هویت اجتماعی و اخلاقی نوجوانان» انجامید. درون این مقوله‌ها، مفاهیمی نظیر تأثیر رفتار معلمان، تعامل با همسالان، برنامه درسی پنهان، فعالیت‌های مشارکتی، و رشد خودآگاهی و احساس تعلق به مدرسه، به‌عنوان عوامل کلیدی در پرورش مسئولیت‌پذیری اجتماعی نوجوانان شناسایی شد. نتایج نشان داد که مدرسه به‌عنوان یک نظام اجتماعی پویا، می‌تواند از طریق روابط انسانی، ساختارهای سازمانی، و تجارب آموزشی غیررسمی، نقش بسزایی در نهادینه‌سازی مسئولیت‌پذیری اجتماعی ایفا کند. تأکید بر عدالت، مشارکت، فضای گفت‌وگو و الگوسازی اخلاقی معلمان از جمله الزامات تحقق این هدف در محیط مدرسه است.

کلیدواژه‌گان: مدرسه، نوجوانان، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، برنامه درسی پنهان، تعاملات مدرسه‌ای، تربیت اخلاقی

تاریخ ارسال: ۴ اردیبهشت ۱۴۰۲

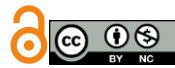
تاریخ بازنگری: ۸ خرداد ۱۴۰۲

تاریخ پذیرش: ۲۹ خرداد ۱۴۰۲

تاریخ چاپ: ۱۳ تیر ۱۴۰۲



How to cite: Bakhtiari, M., Fateminia, S. A., & Farhodi, E. (2023). Exploring the Role of School in Shaping Social Responsibility Among Adolescents. *Training, Education, and Sustainable Development*, 1(2), 27-33.



© 2023 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Exploring the Role of School in Shaping Social Responsibility Among Adolescents

Maryam Bakhtiari¹, Seyed Ahmad Fateminia^{2*}, Elaheh Farhodi³

1. Department of Educational Management, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

2. Department of Educational Management, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

3. Department of Educational Evaluation, Yazd University, Yazd, Iran

*Corresponding Author's Email: s.a.fateminia@gmail.com

Abstract

This study aimed to explore the role of school in shaping social responsibility among adolescents based on lived experiences of students and school staff. This qualitative research employed an interpretative phenomenological approach. Data were collected through semi-structured interviews with 29 participants, including students, teachers, counselors, and principals from schools in Tehran. Participants were selected using purposive sampling with maximum variation. Interviews continued until theoretical saturation, and data were analyzed thematically using NVivo 12 software. Thematic analysis revealed three main categories: "Role of School Interactions," "Educational and Training Programs," and "Adolescents' Social and Ethical Identity." Within these themes, key factors influencing social responsibility development included teacher behavior, peer interaction, hidden curriculum, collaborative activities, self-awareness, and a sense of belonging to school. The findings demonstrated that school, as a dynamic social system, plays a pivotal role in fostering social responsibility through interpersonal relationships, institutional structures, and informal educational experiences. Emphasis on justice, participation, dialogue, and ethical modeling by teachers is essential to achieving this goal in the school context.

Keywords: *School, Adolescents, Social Responsibility, Hidden Curriculum, School Interactions, Moral Education*

Submit Date: 23 April 2023

Revise Date: 28 May 2023

Accept Date: 18 June 2023

Publish Date: 3 July 2023

در دنیای پیچیده و پرشتاب امروز، تربیت نوجوانانی مسئولیت‌پذیر و متعهد به ارزش‌های اجتماعی، یکی از رسالت‌های اصلی نهادهای تربیتی به‌ویژه مدرسه محسوب می‌شود. در شرایطی که جامعه بیش از پیش به تعاملات اخلاق‌مدار، رعایت حقوق دیگران و مشارکت اجتماعی نیاز دارد، پرورش مسئولیت‌پذیری در نسل نوجوان می‌تواند زیربنای توسعه انسانی پایدار را فراهم آورد. مسئولیت‌پذیری اجتماعی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های کلیدی رشد اخلاقی و اجتماعی، نه تنها به معنای پاسخ‌گو بودن فرد در قبال رفتارهای خویش است، بلکه نشان‌دهنده تعهد فرد به ارزش‌های اجتماعی و ایفای نقش مؤثر در جامعه نیز می‌باشد (Berkowitz & Bier, 2005).

از آنجا که دوران نوجوانی مرحله‌ای حیاتی در فرآیند جامعه‌پذیری و شکل‌گیری هویت فردی و اجتماعی است، توجه به این مقطع از نظر روان‌شناختی و جامعه‌شناختی ضرورت دارد. در این دوره، فرد در پی درک جایگاه خود در جامعه بوده و تمایل شدیدی به پذیرش نقش‌ها، مسئولیت‌ها و تعلق به گروه‌های اجتماعی دارد (Erikson, 1968). نوجوانان با تجربه‌های زیسته در مدرسه، نخستین بار به‌صورت رسمی و ساختاریافته با مفاهیمی چون مسئولیت، تعهد، نظم اجتماعی و مشارکت جمعی آشنا می‌شوند. مدرسه، به‌عنوان یک نظام اجتماعی مصغر، فرصت‌های بی‌نظیری برای تمرین این مهارت‌ها فراهم می‌آورد (Wentzel, 1993).

نقش مدرسه در شکل‌گیری مسئولیت‌پذیری نوجوانان را می‌توان از چند منظر مورد توجه قرار داد. نخست آنکه ساختار و فضای مدرسه، از طریق قوانین، رویه‌ها و هنجارهای رفتاری، محیطی فراهم می‌آورد که دانش‌آموزان در آن یاد می‌گیرند چگونه پیامد رفتارهای خود را بپذیرند و نسبت به اقدامات خویش پاسخ‌گو باشند. از سوی دیگر، روابط بین‌فردی میان دانش‌آموزان، معلمان، مشاوران و مدیران، بستری برای شکل‌گیری ارزش‌هایی همچون همدلی، احترام، انصاف و وظیفه‌شناسی فراهم می‌سازد (Thornberg, 2008). مطالعات نشان می‌دهد که رفتار معلمان به‌عنوان الگوهای اخلاقی و اجتماعی، تأثیر چشمگیری بر درونی‌سازی مسئولیت‌پذیری در نوجوانان دارد (Nucci, Narvaez, & Krettenauer, 2014).

همچنین پژوهش‌ها حاکی از آن است که ساختارهای مدرسه‌ای که بر همکاری، مشارکت و عدالت تأکید دارند، در رشد حس تعهد اجتماعی در دانش‌آموزان نقش بسزایی ایفا می‌کنند (Battistich et al., 1997). در این میان، برنامه‌های فوق‌برنامه، پروژه‌های گروهی، فعالیت‌های داوطلبانه و مشارکتی، فرصت‌هایی عینی برای تمرین مسئولیت اجتماعی ایجاد می‌کنند. این فعالیت‌ها موجب می‌شوند نوجوانان با نقش‌های واقعی اجتماعی آشنا شده و احساس اثرگذاری در جمع را تجربه کنند (Youniss & Yates, 1997).

از سوی دیگر، مفاهیمی مانند برنامه درسی پنهان نیز نباید نادیده گرفته شوند. برنامه درسی پنهان به آن دسته از ارزش‌ها، نگرش‌ها و هنجارهایی اطلاق می‌شود که به‌صورت غیررسمی و ضمنی از طریق رفتار معلمان، ساختار مدرسه و مناسبات روزمره منتقل می‌شوند (Jackson, 1968). این مؤلفه نقش مهمی در انتقال ارزش‌هایی چون انضباط، نظم، پیروی از قانون و مسئولیت‌پذیری ایفا می‌کند. برای مثال، زمانی که دانش‌آموزان نظم رفتاری معلمان یا پاسخ‌گویی مدیران را مشاهده می‌کنند، به‌صورت غیرمستقیم آن را به‌عنوان معیار مطلوب درونی‌سازی می‌کنند (Giroux & Penna, 1983).

در کنار عوامل درون‌مدرسه‌ای، برخی عوامل فردی نظیر سطح رشد شناختی، سبک تربیتی خانواده، انگیزه‌های درونی و تجارب اجتماعی نیز در ارتقاء مسئولیت‌پذیری اجتماعی مؤثر هستند (Bandura, 1991). با این حال، مدرسه به‌عنوان بستری رسمی، نظام‌مند و همگانی، جایگاهی بی‌بدیل در تربیت اجتماعی دارد. در جوامعی که خانواده‌ها به دلایل مختلف از ایفای کامل نقش تربیتی خود بازمانده‌اند، اهمیت نقش مدرسه دوچندان می‌شود. این نهاد می‌تواند با ساختاردهی منسجم، زمینه رشد ارزش‌ها و رفتارهای مطلوب اجتماعی را فراهم آورد (Bronfenbrenner, 1979).

در ایران نیز هم‌راستا با تحولات جهانی، ضرورت پرورش دانش‌آموزانی مسئول، مشارکت‌جو و متعهد به جامعه بیش از پیش احساس می‌شود. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران، بر تربیت انسان‌هایی «خودآگاه، پاسخ‌گو و مسئول در برابر جامعه» تأکید دارد

(وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۹۰). با این حال، بررسی‌ها نشان می‌دهد که میان اهداف کلان تربیتی و آنچه در سطح مدرسه اجرا می‌شود، فاصله معناداری وجود دارد. نبود برنامه‌های ساختاریافته در حوزه آموزش مسئولیت اجتماعی، فقدان ارزیابی مستمر و فقدان پیوند میان محتوای درسی و فعالیت‌های واقعی اجتماعی از جمله چالش‌های پیش‌رو در این حوزه است (شریعتمداری، ۱۳۹۴).

با توجه به آنچه بیان شد، ضرورت مطالعه کیفی تجارب زیسته دانش‌آموزان، معلمان و مسئولان مدارس درباره سازوکارهای مؤثر مدرسه در شکل‌دهی مسئولیت‌پذیری اجتماعی بیش از پیش نمایان می‌شود. رویکردهای کیفی، با تمرکز بر عمق تجربه، زمینه درک مؤلفه‌ها، تعاملات و شرایط تأثیرگذار بر این سازوکار را فراهم می‌کنند. بنابراین، هدف پژوهش حاضر، واکاوی نقش مدرسه در شکل‌گیری مسئولیت‌پذیری اجتماعی در نوجوانان با بهره‌گیری از روش کیفی و تحلیل مضامین حاصل از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته است. این پژوهش می‌کوشد تا با تکیه بر داده‌های تجربی و دیدگاه مشارکت‌کنندگان، به شناسایی ابعاد و عوامل تأثیرگذار در این فرآیند بپردازد.

روش‌شناسی

این مطالعه از نوع پژوهش کیفی با رویکرد پدیدارشناسی تفسیری است که با هدف واکاوی نقش مدرسه در شکل‌گیری مسئولیت‌پذیری اجتماعی در نوجوانان انجام شده است. مشارکت‌کنندگان این پژوهش شامل ۲۹ نفر از دانش‌آموزان، معلمان، مشاوران و مدیران مدارس شهر تهران بودند که به روش نمونه‌گیری هدفمند و با رعایت حداکثر تنوع در سن، جنسیت، موقعیت تحصیلی و سطح مدرسه (دولتی و غیردولتی) انتخاب شدند. انتخاب مشارکت‌کنندگان تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت؛ به این معنا که پس از مصاحبه با نفر بیست و نهم، داده‌های جدیدی به مقوله‌های قبلی اضافه نشد و تکرار داده‌ها مشاهده گردید.

ابزار اصلی گردآوری داده‌ها، مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته بود که به صورت حضوری در محیط مدرسه یا مکان‌های توافقی با مشارکت‌کنندگان انجام شد. در آغاز هر مصاحبه، اهداف پژوهش برای شرکت‌کنندگان تشریح شد و پس از اخذ رضایت‌نامه آگاهانه، گفت‌وگوها آغاز گردید. سؤالات مصاحبه حول محورهایی مانند تجربه زیسته افراد از نقش مدرسه در مسئولیت‌پذیری، تعاملات بین‌فردی در مدرسه، تأثیر فعالیت‌های آموزشی و فوق‌برنامه، و نقش معلمان و فضای مدرسه طراحی شده بود. هر مصاحبه بین ۴۵ تا ۷۰ دقیقه به طول انجامید و تمام مصاحبه‌ها با اجازه شرکت‌کنندگان ضبط و سپس به صورت کلمه‌به‌کلمه پیاده‌سازی شد.

برای تحلیل داده‌ها از روش تحلیل مضمون با استفاده از نرم‌افزار NVivo نسخه ۱۲ بهره گرفته شد. فرآیند تحلیل شامل چند مرحله بود: آشنایی اولیه با داده‌ها از طریق بازخوانی مکرر، استخراج کدهای اولیه، گروه‌بندی کدها در قالب مضامین فرعی، و نهایتاً تدوین مضامین اصلی. در طول تحلیل، تلاش شد تا با استفاده از بررسی مجدد کدها و بازنگری در طبقه‌بندی‌ها، اعتبار و انسجام مضامین حفظ شود. همچنین برای افزایش پایایی و دقت تحلیل، کدگذاری بخشی از داده‌ها توسط یک تحلیلگر دوم بررسی و نتایج مقایسه شد تا اجماع نظری حاصل گردد.

یافته‌ها

تعامل با معلمان:

بررسی داده‌ها نشان داد که رابطه نوجوانان با معلمان یکی از مؤثرترین عوامل در شکل‌گیری مسئولیت‌پذیری اجتماعی آنان است. معلمان از طریق تشویق به انجام وظایف درسی، ارائه بازخورد سازنده و الگوسازی رفتاری، نقش مهمی در آموزش غیرمستقیم مسئولیت ایفا می‌کنند. بسیاری از شرکت‌کنندگان اشاره داشتند که "وقتی معلم خودش منظم و متعهد باشه، ناخودآگاه ما هم یاد می‌گیریم مسئول باشیم". همچنین، فرصت مشارکت در کلاس و سپردن مسئولیت‌های کوچک به دانش‌آموزان زمینه‌ساز تقویت احساس تعهد و پاسخ‌گویی در آنان شده است.

تعامل با همسالان:

ارتباط با همسالان در مدرسه بستری مهم برای تمرین همکاری، احترام متقابل و یادگیری کار گروهی فراهم می‌سازد. نوجوانان از طریق مشارکت در فعالیت‌های کلاسی، همدلی با دوستان و پاسخ‌گویی در برابر وظایف مشترک، تجربه‌هایی از مسئولیت اجتماعی کسب می‌کنند. یکی از دانش‌آموزان بیان کرد: "تو گروه درسی که با دوستانم داشتیم، یاد گرفتم مسئولیت قسمتی که به من واگذار شده بود رو جدی بگیرم تا کار گروه پیش بره."

فضای ارتباطی مدرسه:

وجود فضای صمیمانه، آزاد و امن در مدرسه باعث می‌شود دانش‌آموزان بتوانند آزادانه نظرات خود را بیان کرده، اشتباهات خود را بپذیرند و نسبت به محیط احساس مسئولیت بیشتری داشته باشند. مشارکت‌کنندگان بر اهمیت اعتمادسازی و فرصت برای گفت‌وگو تأکید کردند. به گفته یکی از معلمان: "اگه بچه‌ها حس کنند که می‌تونن بدون ترس نظر بدن یا اشتباهشون رو بیان کنن، اون وقته که مسئولیت‌پذیر هم می‌شن."

تعامل با مشاور و مدیر:

نقش حمایتی مشاوران و مدیران در هدایت نوجوانان به سوی رفتارهای اجتماعی مسئولانه بسیار پررنگ است. آن‌ها با فراهم کردن زمینه‌های گفت‌وگو، آموزش حل مسئله، و آگاهی‌بخشی درباره نقش‌های اجتماعی، فرآیند مسئولیت‌پذیری را تقویت می‌کنند. یکی از مشاوران مدرسه اظهار داشت: "من همیشه سعی می‌کنم تو جلسات مشاوره، درباره اثر رفتار هر فرد بر جمع صحبت کنم؛ این باعث می‌شه بچه‌ها به مسئولیت‌های خودشون فکر کنن."

تعاملات در شرایط تعارض:

وضعیت‌های تعارض برانگیز، فرصت مناسبی برای آموزش مهارت‌های مسئولانه نظیر کنترل هیجان، مذاکره، احترام به قانون و پذیرش اشتباه فراهم می‌سازد. داده‌ها نشان می‌دهد که برخورد مناسب مدرسه با موقعیت‌های بحرانی، می‌تواند به مسئولیت‌پذیری نوجوانان منجر شود. یکی از مدیران اشاره کرد: "وقتی بین دانش‌آموزها مشکلی پیش میاد، ما سعی می‌کنیم اول با خودشون صحبت کنیم تا بفهمن چرا اشتباه کردن، بعد راهکار بدیم."

برنامه درسی پنهان:

آموزش غیرمستقیم از طریق رفتار معلمان، قوانین مدرسه و فضای عمومی آموزش، نمونه‌ای از برنامه درسی پنهان است که نقش پررنگی در نهادینه‌سازی مسئولیت‌پذیری دارد. مشارکت‌کنندگان معتقد بودند که دانش‌آموزان از رفتارهای غیررسمی معلمان، نظم حاکم بر مدرسه، و نحوه برخورد با تخلف‌ها تأثیر می‌پذیرند. یکی از دانش‌آموزان گفت: "وقتی می‌بینم مدیر همیشه زودتر از ما میاد مدرسه، خودم هم سعی می‌کنم وقت‌شناس باشم."

فعالیت‌های فوق برنامه:

برنامه‌هایی مانند اردوهای علمی، فعالیت‌های داوطلبانه و پروژه‌های مدرسه، نقش موثری در تمرین مسئولیت اجتماعی دارند. این فعالیت‌ها فرصتی برای ایفای نقش‌های واقعی، تصمیم‌گیری و همکاری فراهم می‌آورند. یکی از نوجوانان اظهار داشت: "وقتی تو نمایشگاه مدرسه مسئول گرفه بودم، تازه فهمیدم چقدر باید دقیق باشم و پاسخ‌گو."

فعالیت‌های درسی مشارکتی:

پروژه‌های گروهی، وظایف مشارکتی و بحث‌های کلاسی موجب رشد حس مسئولیت فردی و گروهی در دانش‌آموزان می‌شود. در این بستر، دانش‌آموزان می‌آموزند که برای موفقیت گروه، باید نقش خود را به خوبی ایفا کنند. یکی از معلمان توضیح داد: "تو پروژه‌های گروهی وقتی بچه‌ها خودشون کار رو تقسیم می‌کنن، حس مسئولیت‌شون هم بیشتر می‌شه."

ساختار انضباطی مدرسه:

ساختار انضباطی مدرسه زمانی مؤثر است که در کنار قوانین مشخص، فرصت جبران، پیگیری مسئولانه و آموزش تبعات اعمال نیز وجود داشته باشد. این رویکرد باعث نهادینه شدن مسئولیت در رفتار نوجوانان می‌شود. یک دانش‌آموز اشاره کرد: "یه بار دیر اومدم مدرسه، مدیر گفت فردا یه کار داوطلبانه انجام بده؛ حس کردم باید جبران کنم."

درونی‌سازی ارزش‌های اجتماعی:

مسئولیت‌پذیری زمانی پایدار می‌ماند که به سطح درونی‌سازی ارزش‌ها برسد. نوجوانان در فرایند مدرسه، مفاهیمی چون احترام به دیگران، رعایت قانون و تعهد به جامعه را به عنوان ارزش‌های اخلاقی پذیرفته و در رفتار خود پیاده می‌کنند. یکی از مشاوران گفت: "وقتی بچه‌ها بفهمن که رعایت قانون فقط به خاطر ترس از تنبیه نیست، بلکه یک ارزش شخصیه، اون وقته که مسئول می‌شن."

رشد خودآگاهی و خودتنظیمی:

تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که مدرسه می‌تواند در تقویت خودآگاهی نوجوانان و آموزش خودتنظیمی نقش مؤثری داشته باشد. دانش‌آموزان از طریق بازیگری عملکرد، کنترل هیجان و هدف‌گذاری، به درک بهتری از مسئولیت شخصی می‌رسند. یکی از شرکت‌کنندگان بیان داشت: "یاد گرفتم که اگه اشتباه کردم، خودم اصلاحش کنم، منتظر دیگران نباشم."

شکل‌گیری نگرش مشارکتی:

مدرسه زمینه‌ساز رشد نگرش مثبت نسبت به مشارکت اجتماعی و کمک به دیگران است. در فضای مدرسه، نوجوانان انگیزه می‌یابند تا در امور جمعی نقش ایفا کنند و از احساس مفید بودن لذت ببرند. یکی از دانش‌آموزان گفت: "وقتی به دوستانم کمک می‌کنم، حس خوبی دارم؛ حس می‌کنم مسئولم که اونا هم موفق باشن."

تقویت حس تعلق به مدرسه:

احساس تعلق به مدرسه یکی از پیش‌نیازهای شکل‌گیری مسئولیت‌پذیری اجتماعی است. دانش‌آموزانی که مدرسه را بخشی از هویت خود می‌دانند، بیشتر در فعالیت‌ها مشارکت می‌کنند و خود را در برابر محیط پاسخگو می‌دانند. یکی از معلمان اظهار کرد: "هر وقت دانش‌آموز حس کنه مدرسه خونه دومشه، خودش بدون اجبار کارهای مثبت انجام می‌ده."

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش نشان داد که مدرسه نقش بی‌بدیلی در شکل‌گیری مسئولیت‌پذیری اجتماعی نوجوانان ایفا می‌کند. بر اساس داده‌های کیفی تحلیل‌شده، سه مقوله اصلی شامل تعاملات مدرسه‌ای، برنامه‌ها و فعالیت‌های تربیتی و آموزشی و هویت اجتماعی و اخلاقی نوجوانان شناسایی شد که هر یک دربردارنده زیرمقوله‌هایی تأثیرگذار بودند. این یافته‌ها نشان می‌دهد که مسئولیت‌پذیری اجتماعی نوجوانان نه صرفاً از طریق آموزش مستقیم، بلکه از راه تجربه‌های زیسته در محیط مدرسه، تعامل با عناصر انسانی مدرسه، و درونی‌سازی ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی در قالب روابط و ساختارها شکل می‌گیرد.

نخستین مقوله، یعنی نقش تعاملات مدرسه‌ای، به وضوح اهمیت روابط میان‌فردی درون مدرسه را در تربیت مسئولانه نوجوانان برجسته می‌سازد. تعامل سازنده با معلمان، دوستان، مدیران و مشاوران، بسترهای اولیه‌ای برای تمرین مهارت‌هایی چون پاسخ‌گویی، مشارکت، احترام به دیگران و پذیرش پیامدهای اعمال فراهم می‌کند. این یافته با مطالعات قبلی هم‌راستا است که تأکید دارند روابط گرم و حمایت‌گراانه معلم-دانش‌آموز به شکل‌گیری نگرش‌های اخلاقی و اجتماعی مثبت منجر می‌شود (Wentzel, 1993; Thornberg, 2008). همچنین پژوهش Nucci و همکاران (۲۰۱۴) نشان می‌دهد که معلمان با ایفای نقش الگویی، نقشی کلیدی در درونی‌سازی ارزش‌های اجتماعی دارند؛ یافته‌ای که در مصاحبه‌ها نیز به دفعات از سوی دانش‌آموزان مورد تأکید قرار گرفت.

در زیرمقوله تعامل با همسالان نیز مشاهده شد که فضای همکاری در مدرسه، به‌ویژه در فعالیت‌های گروهی و تعارضات اجتماعی، زمینه‌ساز شکل‌گیری مسئولیت در برابر دیگران است. نوجوانان در چنین موقعیت‌هایی یاد می‌گیرند که رفتار آنان نه تنها بر خود بلکه بر گروه نیز تأثیرگذار است. این یافته با رویکردهای تربیتی مبتنی بر یادگیری اجتماعی (Bandura, 1991) مطابقت دارد که بر اهمیت یادگیری از طریق تعاملات اجتماعی تأکید می‌کنند. همچنین، پژوهش Youniss و Yates (۱۹۹۷) نشان داده است که مشارکت فعال نوجوانان در موقعیت‌های جمعی، به رشد تعهد اجتماعی و مسئولیت‌پذیری منجر می‌شود.

برنامه‌ها و فعالیت‌های تربیتی و آموزشی، به‌عنوان دومین مقوله، نشان دادند که نه تنها محتوای درسی، بلکه ساختار مدرسه، فضای انضباطی، و برنامه‌های فوق‌برنامه نیز در تربیت اجتماعی مؤثر هستند. مشارکت در پروژه‌های گروهی، اردوهای داوطلبانه، نمایشگاه‌ها و فعالیت‌های فرهنگی، فرصت‌هایی واقعی برای تمرین تعهد، پاسخ‌گویی و تصمیم‌گیری فراهم می‌سازد. یافته‌های حاضر با پژوهش Battistich و همکاران (۱۹۹۷) هم‌راستا است که نشان دادند وجود فضای مشارکتی در مدرسه، حس تعلق و مسئولیت اجتماعی را در دانش‌آموزان افزایش می‌دهد. همچنین، داده‌ها حاکی از آن بود که ساختار انضباطی مدرسه زمانی مؤثر است که به جای تأکید صرف بر تنبیه، بر آموزش تبعات عمل، فرصت جبران و گفت‌وگوی اصلاحی تأکید داشته باشد؛ یافته‌ای که با ادبیات مربوط به عدالت ترمیمی در محیط مدرسه هم‌خوانی دارد (Thornberg, 2008). نکته جالب توجه دیگر در یافته‌ها، نقش برنامه درسی پنهان بود. بسیاری از شرکت‌کنندگان اشاره کردند که رفتارهای روزمره معلمان، نظم حاکم بر مدرسه و نحوه مواجهه با مسائل اخلاقی، بیش از محتوای درسی بر آنان اثرگذار بوده است. این یافته در هماهنگی کامل با نظریه Jackson (۱۹۶۸) در خصوص برنامه درسی پنهان قرار دارد؛ جایی که انتقال ارزش‌ها نه از طریق آموزش رسمی، بلکه از طریق مناسبات نهادی، انتظارات نانوشته و رویه‌های غیررسمی صورت می‌گیرد. Penna و Giroux (۱۹۸۳) نیز بر این باورند که ساختار مدرسه، حامل پیام‌های ضمنی در مورد نظم اجتماعی و نقش‌های فردی است که در درازمدت درونی می‌شوند.

در نهایت، مقوله سوم یعنی هویت اجتماعی و اخلاقی نوجوانان، به تبیین فرآیند درونی‌سازی ارزش‌ها، رشد خودآگاهی و خودتنظیمی، و تقویت نگرش مشارکتی در نوجوانان پرداخت. داده‌ها نشان دادند که نوجوانان زمانی احساس مسئولیت می‌کنند که احساس تعلق به مدرسه و اجتماع داشته باشند و خود را عضو اثرگذار در جمع بدانند. این یافته با نظریه هویت اجتماعی Erikson (۱۹۶۸) مطابقت دارد که نوجوانان را در جست‌وجوی انسجام هویتی و معنا برای نقش‌های اجتماعی‌شان معرفی می‌کند. همچنین، پژوهش Berkowitz و Bier (۲۰۰۵) بر اهمیت تربیت شخصیت و آموزش اخلاقی در رشد مسئولیت‌پذیری اجتماعی تأکید می‌کند؛ موضوعی که در پاسخ‌های دانش‌آموزان به‌ویژه در تجربه فعالیت‌های داوطلبانه مشهود بود.

در مجموع، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که مسئولیت‌پذیری اجتماعی یک سازه چندبعدی است که در اثر تعامل میان ساختارهای مدرسه‌ای، روابط انسانی، برنامه‌های آموزشی و تجارب زیسته نوجوانان شکل می‌گیرد. مدرسه در صورتی می‌تواند نقش مؤثری در تربیت مسئولانه نوجوانان ایفا کند که بستر مناسبی برای مشارکت، تصمیم‌گیری، تمرین اخلاق اجتماعی و تجربه پیامدهای واقعی رفتار فراهم آورد. این نتایج هم‌راستا با اهداف سند تحول بنیادین آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران است که تربیت انسان‌های مسئول، مشارکت‌جو و متعهد به جامعه را در رأس اهداف خود قرار داده است (وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۹۰).

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

موازن اخلاقی

در انجام این پژوهش تمامی موازن و اصول اخلاقی رعایت گردیده است.

شفافیت داده‌ها

داده‌ها و مآخذ پژوهش حاضر در صورت درخواست از نویسنده مسئول و ضمن رعایت اصول کپی رایت ارسال خواهد شد.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

References

- Bandura, A. (1991). Social cognitive theory of moral thought and action. In W. M. Kurtines & J. L. Gewirtz (Eds.), *Handbook of moral behavior and development* (Vol. 1, pp. 45–103). Hillsdale, NJ: Erlbaum.
- Battistich, V., Solomon, D., Watson, M., & Schaps, E. (1997). Caring school communities. *Educational Psychologist*, 32(3), 137–151. https://doi.org/10.1207/s15326985ep3203_1
- Berkowitz, M. W., & Bier, M. C. (2005). *What works in character education: A research-driven guide for educators*. Character Education Partnership.
- Bronfenbrenner, U. (1979). *The ecology of human development: Experiments by nature and design*. Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Erikson, E. H. (1968). *Identity: Youth and crisis*. New York: Norton.
- Giroux, H. A., & Penna, A. N. (1983). Social education in the classroom: The dynamics of the hidden curriculum. *Theory & Research in Social Education*, 11(3), 21–39.
- Jackson, P. W. (1968). *Life in classrooms*. New York: Holt, Rinehart and Winston.
- Nucci, L., Narvaez, D., & Krettenauer, T. (Eds.). (2014). *Handbook of moral and character education* (2nd ed.). New York: Routledge.
- Thornberg, R. (2008). School children's reasoning about school rules. *Research Papers in Education*, 23(1), 37–52.
- Wentzel, K. R. (1993). Social competence at school: Relation between social responsibility and academic achievement. *Review of Educational Research*, 63(1), 1–24.
- Youniss, J., & Yates, M. (1997). *Community service and social responsibility in youth*. Chicago: University of Chicago Press.